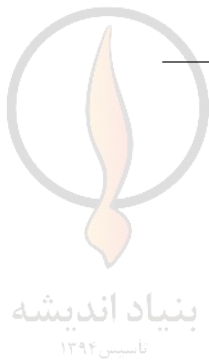


کارکردهای روحانیت شیعه در افغانستان



□ عبدالقیوم آیتی

مقدمه

جامعه مسلمین (شیعه و سنی) زیر بارش فضل و کمالات و تعلیمات امام صادق^(ع) و توسط آن حضرت علمای اسلام به صورت یک واحد اجتماعی مستقل، موجودیت و موضوعیت یافتند، مکتب‌ها و مدارس دینی و آموزشی به شکل نوین ظهور کردند، علوم و علمای اسلام هویت حوزه مستقل به دست آوردند» (باقی، ۱۳۶۴: ۱۵)؛ بنابراین روحانیت دارای سازمان و هویت مستقلی است که در هر نقطه از جهان قرار داشته باشند، دارای مسئولیت‌های مشابه‌اند و دارای وظایف یکسان در زمینه‌های گوناگون که برخی از مسئولیت این سازمان، هدایت و ارشاد جامعه است، در واقع روحانیت آگاه و عامل، امانت‌دار واقعی

روحانیت را به عنوان یک جمعیت فعال فرهنگی و اجتماعی می‌توان شمرد. ماهیت و ساختار زندگی علمادار جامعه به گونه‌ای شکل گرفته که همواره اندوه و شادی آن‌ها با مردم گره خورده است. آن‌ها از نزدیک دردهای مردم را لمس می‌کردند و در پی درمان آن‌ها گام برمی‌داشتند. جامعه‌شناسی علمای دینی افغانستان از آموزه‌های اسلامی و میزان معارف الهی سرچشمه می‌گیرد (ماکنوس: ۱۳۸۰). روحانیت به صورت یک سازمان (غیررسمی) و شبکه مرتبط اجتماعی است که در دوره امام جعفر صادق^(ع) رسمیت یافته است. «برای نخستین بار در میان



ب. توسعه آموزش (تعلیم و تربیت): ۱. مدارس علمیه: یکی از مهمترین وظایف روحانیت و علمای دینی تربیت طلاب و محصلان علوم دینی است. مدرسه‌ای علمیه محل تعلیم و تربیت است که در بیشتر شهرها و روستاهای افغانستان مدارس خرد و کلان وجود دارد که در هر کدام آن عده‌ای مشغول تحصیل علوم دینی هستند. برخی از علما به‌رغم کمبود امکانات، توانسته‌اند، شاگردان بسیار خوبی تربیت کنند، در مدارس روستایی سطح درس تا لمعه دمشقیه و گاهی بالاتر از آن می‌رسد، ولی در کابل دروس سطح به‌طور کامل تدریس می‌گردد و اخیراً حتی یکی و دو درس خارج نیز برای طلاب سطوح بالاتر برگزار می‌شود (بختیاری، ۱۳۸۵: ۲۹۱).

۲. مکتب‌خانه‌ها: گروهی از روحانیت به‌ویژه آن‌هایی که در سطح علمی پایین‌تری قرار دارند، مکتب‌خانه‌ها را اداره می‌کنند. مکتب‌خانه‌ها در گذشته تنها راه سوادآموزی به‌شمار می‌رفت. حدود یک قرن است که دولت‌ها مکاتبی را برای سوادآموزی و تعلیم و تربیت کودکان و نوجوان تأسیس و اداره می‌کنند. مکتب‌خانه‌ها برای شیعیان افغانستان تا قبل از انقلاب اسلامی افغانستان، مهمترین و مطمئن‌ترین شیوه تحصیل کودکان بود؛ ولی در سال‌های پس از جهاد و جنگ‌های خانمان‌سوز داخلی، مردم و مؤسسات خیریه در بسیاری از مناطق شیعی مدارس ایجاد نمودند که کم‌کم دایره‌ای فعالیت مکتب‌خانه‌ها را تنگ‌تر ساختند. باید به یاد داشت که مکتب‌خانه‌ها به دست روحانیون اداره می‌شدند و آن‌ها نقش بسیار فعال در سوادآموزی و آموزش تعلیم دینی دارند (همان، ۲۹۳-۲۹۲).

ج. تحکیم و بهبود روابط اجتماعی: علما به دلیل نفوذ و اقتدارشان در میان مردم نه تنها سران قبایل و خوانین، بلکه سلاطین افغانستان، نیز در ظاهر خود را ملزم به متابعت از نظریات آن‌ها می‌دانستند، در تصمیم‌گیری‌های مهم مانند وضع قانون، اعلان جنگ داخلی یا خارجی در مراسم تاج‌گذاری و... به رأی و دیدگاه آن‌ها اهمیت می‌دادند یا از نفوذ اجتماعی آن‌ها برای رسیدن به آرمان‌های خویش بهره‌برداری می‌کردند (علی‌آبادی، ۱۳۷۲: ۳۲-۳۳). این‌گونه بهره‌برداری‌ها توسط حاکم از برخی علمای شدند، اکثر روحانیت به‌عنوان کارشناس دینی و مذهبی و

پیامبران الهی است (همان). در افغانستان مانند سایر کشورها، علما و روحانیت دارای وحدت و کارکردهای مشابه به هم هستند، روحانیت پس از طی نمودن دوره‌های تحصیلی آنچه فراگرفته است، برای مردم آموزش می‌دهد و بدون این‌که یک نهاد خاص متکفل جهت‌دهی و ساماندهی باشد، روحانیت این امر را یک رسالت دینی می‌داند و برایش فرق ندارد که در کجا و در چه جایی به این امر مهم بپردازد.

کارکردهای سازمان روحانیت

سازمان روحانیت در افغانستان کارکردهای متعدد و متنوعی در جامعه دارد که برخی از کارکردهای این سازمان عبارتند از:

الف. رسالت مدار: رسالت عمده و اصلی علما و روحانیت متعهد در طول تاریخ این بوده که میراث گران‌بهای انبیای عظام یعنی؛ دین و شریعت الهی را از گزند تهاجمات و تحریفات نگهدارند و پا به پای پیشرفت زمان و مقتضیات آن، کاروان بشریت را به سوی اهداف بلند هدایت و رهبری نمایند و از همه مهمترین‌ها که با استعمارگران و حکومت‌های استبدادی مبارزه کنند، که حاکمیت برحق شریعت و طریقت الهی و توحیدی را در زمین برقرار سازند. پاسداری از دین و جامعه اسلامی بر عهده علما و اندیشمندان دینی می‌باشند و نیز ایستادگی در برابر استعمار و فرهنگ آن، رسالت روحانیت شیعه در کشورهای اسلامی است. در این باره آقای حکیمی به نقل از دکتر شریعتی می‌نویسد: «... در زیر هیچ قراردادی استعماری امضای یک آخوند نجف رفته نیست. پیشاپیش هر نهضت مترقی ضد استعماری در این کشورها (کشورهای اسلامی) همواره بدون استثنا قیافه یک یا چند عالم راستین اسلامی و به‌خصوص شیعی وجود دارد» (حکیمی، ۱۳۷۸: ۱۸). حقیقتاً علمای شیعه در افغانستان در همه دوره‌ها نقش پیشتاز را در راه اندازی نهضت‌های آزادی‌بخش علیه استعمارگران داشته‌اند و در این راه از هیچ مساعدت فروگذار نکرده‌اند و در رأس هر جنبش آزادی‌خواهانه و عدالت‌خواهانه علما حضور داشتند.

راهنمایان واقعی مورد پذیرش مردم بودند و حتی برخی از حاکمان از این نوع ارتباط برخی روحانی‌نما به نفع خود سوءاستفاده می‌کردند. درباره پیوند مستحکم مردم و روحانیت در جامعه افغانستان، آقای هدی چنین می‌نویسد: رابطه مستحکم روحانیون مذهبی با مردم را، در تاریخ جامعه‌شناسی مذهبی و سیاسی افغانستان، در طی قرون متمادی و در ادیان مختلف شاهد بود و به همین دلیل تمایل طبیعی توده‌های مردم با روحانیت، به صورت اصل در تحلیل‌های جامعه‌شناسی مردم افغانستان باید در نظر گرفته شود، به خصوص که در مذهب و آیین مهمترین نهاد اجتماعی اصلی‌ترین شیرازه‌بند روابط اجتماعی در میان این سرزمین بوده است.

نهادهای مهم را در جامعه مذهبی افغانستان، مسجد، حسینیه و مدارس دینی تشکیل می‌دهند. مسجد که تجلی‌گاه اصلی بیعت مردم با روحانیت، امام جماعت و امام جمعه و... است، می‌توان در تعبیر جامعه‌شناسی نوین، محل ارتباط میان مردم و رهبران مذهبی آن‌ها باشد، نوعی ارتباط چهره به چهره و نقش روحانیت را در ارشاد و آموزش نظارت و بسیج مردم به ویژه آن‌هایی که در قلمرو جغرافیایی حسینیه و مسجد محل قرار دارند، نشان می‌دهند. تحلیل‌های امام جماعت و روحانی در واقع بستر خط فکری مردم را تشکیل می‌دهد و بدین لحاظ اگر روحانی یک فرد انقلابی و آگاه و دانشمند باشد، فرهنگ مذهبی، سیاسی و اجتماعی مردم، نیز به صورت القایی، متعالی می‌شود (ریاضی هدی: ۱۳۷۵: ۲۲).

آقای واعظی در مورد روابط روحانیت و جامعه این‌گونه می‌نویسد: «در جامعه مذهبی افغانستان رابطه مردم با نهاد روحانیت پیوند نزدیک روحی، معنوی و پراز اعتماد و اطمینان داشته است. یک روحانی، امین‌ترین فرد و مهمترین عنصر معنوی است که هزاره‌ها (شیعه) و تمامی مردم مسلمان افغانستان در جزئی‌ترین و پنهانی‌ترین رازها و نیازهای مذهبی، خصوصی، خانوادگی و اجتماعی خویش به او مراجعه می‌کنند و توده‌های مذهبی، ملا و روحانی را در همه امور اجتماعی و زندگی خود پناهگاه امین و حلال معتمد و رازدار می‌دانند. به همین دلیل

است که نهاد روحانیت از دیرپا تأثیرگذار و مقدس و مورد اعتماد در جامعه بوده است» (واعظی، ۱۳۷۷: ۱۰). جامعه شیعه روحانیت خویش را امانت‌دار در دین، اسرار و رازهایش خویش می‌دانند که این مسئله مسئولیت عالمان را چند برابر می‌کنند تا بتوانند امانت‌داران واقعی در جامعه باشند.

د. تبلیغات مذهبی: یکی از مهمترین وظایف روحانیت تبلیغ دین است. در افغانستان همواره علمای دین به این مهم اهمیت می‌دهند و برای مؤثر واقع شدن تبلیغ تعالیم دینی و ایجاد باورمندی در میان مردم، شیوه‌های تبلیغی دارند و با اهمیت‌ترین زمان‌ها و ایام تبلیغات مذهبی در میان شیعیان افغانستان در این ایام می‌باشند:

۱. ماه محرم: برای زنده نگه داشتن ایام سوگواری سالار شهیدان حسین بن علی^(ع)، وعظ و خطباء، معارف و آموزه‌های دینی را در این ایام برای مردم بیان می‌کنند. در میان شیعیان مرسوم است «از اول ماه محرم تا روز سیزدهم محرم عزاداری می‌کنند» (بختیاری، پیشین: ۳۹۳). ماه محرم، مهمترین فرصت تبلیغی در این کشور است، زیرا همه مردم با آمادگی برای شنیدن نصیحت به مساجد می‌روند و هم فرصت کافی است که مبلغ کمر همت را ببندد، تعالیم اسلامی را برای مردم بازگو کند، هم برای مردم فرصت خوبی است که برای ارتقای آگاهی دینی خویش از تلاشی فروگذار نکنند.

۲. بیست و هشتم صفر و ایام شهادت امامان معصوم^(ع): در این‌گونه ایام و مناسبت‌ها، مردم برای اقامه عزادار مساجد و تکایای شهرها و روستاها گرد هم می‌آیند، روحانیان و مداحان اهل بیت از فرصت پیش آمده می‌توانند نهایت بهره‌برداری را در جهت نشر معارف اسلامی ببرند (فرهنگ، ۱۳۸۰: ۳۱۲).

۳. اعیاد مذهبی: به مناسب ایام میلاد معصومین^(ع) و همین‌طور به مناسبت‌های اعیاد ملی چون نوروز و چهارشنبه سوری و نیز اعیاد مذهبی چون عید قربان، عید فطر و عید غدیر خم، در بسیاری از مساجد و حسینیه‌ها با حضور علما و اندیشمندان دینی مراسم جشن و سرور برگزار می‌گردد (همان، ۳۲۷).

ه. حل و فصل دعاوی: علمای شیعه در افغانستان در



مردم هم از موقعیت و صلاحیت خوبی برخوردار بودند، بدین جهت بود که نظام‌ها... با تهدید آرام آن‌ها را منزوی سازند و از شرکت در فعالیت‌های مهم اجتماعی بازدارند (واعظی، ۱۳۷۰: ۵).

۲. مقاومت در برابر حاکمان ستمگر: در این شیوه روحانیت مستقیماً در مقابل نظام‌های استبدادی افغانستان وارد صحنه می‌شدند و در برابر حکومت‌ها موضع می‌گرفتند و حاکمان افغانستان همیشه از روحانیت احساس خطر می‌کردند، زیرا علمای شیعه به روشنگری استبداد آن‌ها در میان مردم و جامعه می‌پرداختند و با توجه به نفوذ روحانیت بسیاری از مردم در کنار روحانیت قرار می‌گرفتند. برخی حاکمیت‌های سیاسی در افغانستان، هیچ‌گاه از بی‌عدالتی‌ها دست نکشیدند، همیشه روحانیت را تهدید، حبس، تبعید و سرکوب می‌نمودند و حتی آن‌ها به شهادت می‌رساندند؛ مانند قاضی عسکر و کاتب و... در دوره امارت عبدالرحمان بسیاری از علما و روحانیت شیعه در سیاه‌چال‌های مخوف به دست جلادان رژیم سلطنتی وی، جان سپردند، یا مجبور به ترك خانه و کاشانه خویش شدند (همان).

روحانیت و علما، به دست حاکمان و مزدوران استکبار جهانی چون انگلیسی‌ها، شوروی‌ها و آمریکایی‌ها و گروهک طالبان که دست پروردگان برخی از فرقه‌های منحرف است، برای نابودی عالمان شیعی اقداماتی کردند و بسیاری از آنان را به شهادت رسانند از جمله آن‌ها دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان و رهبر شیعیان افغانستان استاد شهید عبدالعلی مزاری (رح) را می‌توان نام برد.

بنیاد اندیشه روحانیت شیعه در طول تاریخ افغانستان، از سوی گروه‌های متعصب مذهبی و قومی مورد آماج حملات و آسیب‌های جدی قرار گرفتند. در دوره امیر عبدالرحمان که شیعیان را مورد قتل عام قرار دادند و در درجه اول آن روحانیت بوده است. در دوره حکومت حبیب‌الله خان بازم مناطق شیعه‌نشین مورد حملات آن‌ها قرار گرفت و مردم شیعه مجبور بود که به نماز جماعت علمای اهل سنت شرکت ورزند به امامت آن‌ها نمازگزارند (فرهنگ، ۱۳۸۰: ۲۱۹-۲۱۸). همان‌طوری که قبلاً اشاره شد، روحانیت در بیدار نمودن مردم نقش

قسمت مصالحه و فیصله دعاوی در میان جامعه بسیار نقش مؤثر دارند. چنانچه دعاوی به محاکم دولتی کشیده می‌شد، بسیار به طول می‌انجامید، چه بسا اصلاً طرفین دعوا به حق نرسند و با رشوه‌دهی کلان، حق ناحق می‌شد، ولی حل و فصل نزاع‌ها در نزد علمای شیعه پس از استماع شکایت و دفاع طرفین حکم را در طی چند ساعت یا چند روز صادر می‌کنند، بدون این‌که طرفین ناراضی باشند.

حل دعاوی توسط علما، بسیار به سهولت انجام می‌گیرد: «زن جوانی (در حدود بیست‌ساله) با پیرمردی که دو نفر زیر بغلش را گرفته بودند، آمده بودند و زن تقاضای طلاق می‌کرد، اگر این موضوع به دادگاه کشیده می‌شد، مطمئناً ماه‌ها طول می‌کشید تا حل می‌شد، ولی در آنجا آیت‌الله تقدسی تنها در مدت بیست دقیقه قضیه را فیصله داد. نخست شکایت‌های هر دو طرف را شنید و مطمئن شد که امکان ادامه زندگی برایشان وجود ندارد، سپس صیغه طلاق را جاری کرد» (بختیاری، پیشین: ۳۹۳).

و. سیاست: روحانیت و علمای افغانستان هیچ‌گاه در مقابل حاکمان مستبد کوتاه نیامده‌اند و در طول تاریخ در مقاومت و ایستادگی در برابر نظام‌های ناکارآمد، پرداختند و لحظه‌ای از این رسالت غافل نشده‌اند و در مقابله با حکومت‌های مستبد و زورگو، دوروش را پیشه خویش ساخته‌اند:

۱. عدم سازش با حاکمان ستمگر: علما در جامعه افغانستان و به‌ویژه در جامعه شیعه از جایگاه والایی برخوردارند و دژ اجتماعی مستحکمی برای مردم هستند. تلاش نظام‌های حاکم در جهت به انزوا کشاندن عناصر مذهبی و روحانی به خاطر آن بود که این قشر، نتواند حرکتی انجام دهند و موضع و جهتی را انتخاب کند که وجهه و موقعیت سیاسی، اجتماعی و نظامی را زیر سؤال ببرد یا مورد تهدید جدی قرار دهد، چه این‌که این عناصر نیروهایی را تشکیل می‌دادند که به‌عنوان مخالفین بالقوه همسویی و هماهنگی‌هایی با سیاست‌های نظام نداشته و حاضر به اطاعت یا سازش نبودند و در میان

اساسی و تعیین کننده‌ای داشتند و از این رو علما شیعه در دل‌های مردم جا داشتند و از آن‌ها پیروی می‌نمودند. در جامعه تشیع افغانستان روحانیت نقش سازنده و بارزی در ایجاد، ابنیه تاریخی و مذهبی، مدارس علمی، آبادانی و ترمیم و تجدید بنا و راه‌های مواصلاتی مردم شیعه داشتند. این مسئله از یک طرف و مسائل دیگر چون امر تعلیم و تربیت فرزندان شیعه در هنگامی که درهای مکاتب دولتی بر روی آن‌ها بسته بودند، سعی و تلاش فراوان در امر باسواد نمودن فرزندان آن‌ها داشتند و در زمینه بیان احکام دین نقش بسزایی داشتند. از همه مهمتر این که در نهضت‌های آزادی بخش روحانیت به عنوان فرمانده از همگان پیشگام تر بودند و در رسمی نمودن مذهب شیعه در افغانستان تلاش‌های زیادی صورت گرفت که در این میان می‌توان به آقای حجت اشاره کرد که ایشان در دوره تقیه که شیعیان در تقیه به سر می‌بردند این فضا می‌شکند و شیعیان را از تقیه خارج می‌کند. مردم شیعه افغانستان علاقه بسیاری به روحانیت دارند و خصوصاً به آن‌های که نماینده مجتهد و مرجع تقلید باشند یا این که خود آن‌ها به درجه اجتهاد رسیده باشند. در یک کلام می‌توان گفت: که روحانیت شیعه کارنامه مطلوبی در میان جامعه شیعه افغانستان دارند، که آیات عظام شیعیان افغانستان نمونه مطلوب و حقیقی روحانیت می‌باشند (همان، ۳۲۳).

ز. اجتهاد و مرجعیت: مهمترین هدف و کارکرد روحانیت شیعه، این است که بتواند بالاترین مرحله علمی را در فقه و اصول به دست آورد و به درجه اجتهاد نائل شوند. درباره مجتهد جامع الشرایط در رساله‌های عملی این گونه آمده است: مجتهدی که جامع شرایط مرجعیت باشد می‌تواند دیدگاه‌های فقهی خود را در کتابی منتشر سازد تا مردم از وی تقلید کنند. مرجعیت در مذهب شیعه تداوم و استمرار مسیر نبوت و امامت است؛ زیرا مراجع تقلید در واقع بیان‌کنندگان و مفسران قرآن کریم و احادیث شریف‌اند. بنا بر مذهب اثنی عشری کسانی که خود مجتهد نیستند نمی‌توانند، احکام را از منابع استخراج کنند و همچنین نمی‌توانند به گونه‌ی عمل کنند که

جانب احتیاط را نگاه دارند، از مجتهد جامع شرایط تقلید کنند. در گذشته شیعیان افغانستان معمولاً از مراجعی تقلید می‌نمودند که در حوزه‌های کهن نجف و قم به سر می‌بردند، مردم شیعه فقط با وکلای آن‌ها در ارتباط بودند و از این رو وجوهات شرعی خویش را به وکلای مراجع تقلید خویش تحویل می‌دادند، آن‌ها نیز بخشی اندکی از این وجوهات را صرف نیازمندی‌های منطقه می‌نمودند و بقیه را به دفتر مراجع در نجف یا قم می‌بردند (بختیاری، پیشین: ۳۹۰) و مقوله مرجعیت در میان جامعه تشیع افغانستان کاملاً تازه است، زیرا بسیاری از علمای شیعه افغانستان به مرحله اجتهاد رسیدند، ولی شرایط مساعد نبود تا بتوانند رساله عملی تدوین نمایند و مردم از آن‌ها تقلید کنند، اما آرزوی دیرینه مردم تشیع افغانستان جامه عمل پوشیدند و با تلاش زیاد و سعی بلیغ برخی از علمای شیعه افغانستان، مرجعیت در این سرزمین راه یافت. از جمله علامه مدرس افغانی (۱۲۸۴ ش)، (یزدانی، ۱۳۷۱: ۳۲) آیت الله شیخ محمد امین افشار (۱۲۸۸ ش)، (شفایي، ۱۳۶۸: ۶۰) آیت الله سلطان محمد ترکستانی (۱۲۹۱ ش)، (عرفانی، ۱۳۷۵: ۷۰) آیت الله سید محمد سرور واعظ بهسودی (۱۲۹۵ ش) (فرهنگ، ۱۳۸۰: ۲۲۵) و ... در گذشته روحانیت شیعه افغانستان که به مرحله اجتهاد می‌رسیدند و نمی‌توانستند به عنوان مرجع تقلید مردم شیعه افغانستان به صورت رسمی حضور یابند، پس تلاش علمی و زهد و پارسایی دو تن از مراجع عظام به این مقام عظمی نائل شدند که نخستین مرجع تقلیدی که به صورت رسمی رساله چاپ کرد، آیت الله العظمی قربانعلی محقق کابلی بود که معظم له از شاگردان برجسته‌ای، حضرت آیت الله العظمی خویی^(۵) در نجف اشرف بود که در سایه آراستگی معنوی، استعداد سرشار و باروحيه دانش اندوزی خویش توانست نظر استاد فرزانه را جلب کرده و بدین ترتیب دقت علمی و توان تحقیقی او، شایسته ارزیابی شد و این امر از تقریظ استادش بر جلد اول تقریرات درسش را که با قلم روان به نگارش درآورده است، کاملاً روشن است.

وجود پربرکت معظم له، منشأ خدمات فراوان مذهبی، علمی، فرهنگی و جهادی در جهان اسلام،

احکام شرعی حکایت دارد (همان).

طلایه‌دارای مرجعیت پس از تثبیت مرجعیت حضرت آیت‌الله محقق کابلی رحمت‌الله علیه، استمرار پیدا کرده و نظام مرجعیت پس از رحلت ایشان، به وسیله حضرت آیت‌الله العظمی موحدی نجفی، حضرت آیت‌الله العظمی فاضلی بهسودی و حضرت آیت‌الله العظمی واعظزاده، استمرار و تداوم خواهند یافت و مسیر مرجعیت برای نسل‌های آینده همواره ترشده است.

نتیجه‌گیری

بنابراین روحانیت شیعه در افغانستان دارای کارکردهای متعدد و متنوعی است که برخی از این کارکردهای عبارت‌اند از رسالت‌مداری و تحکیم پایه‌های اعتقادی جامعه و آموزش و توسعه آن از گذشته دور تا اکنون، حل و فصل دعاوی مردم، موقف و موضع‌گیری روحانیت در برابر حاکم مستبد و زورگو و مقاومت و ایستادگی در برابر استبداد و در نهایت از مهم‌ترین کارکرد روحانیت در افغانستان، تأسیس نهاد مقدس به نام مرجعیت در جامعه تشیع است به یک آرزو دیرینه‌ای تبدیل شده بود، بسیاری از علما و دانشمندان شیعی افغانستان از لحاظ علمی به مراحل اجتهاد راه پیدا کردند؛ اما به عنوان وکیل و نماینده مراجع عظام عراق و ایران و... به ایفای نقش می‌پرداختند.

با توجه به شرایط آن روز همین مسئله کافی بود، اما پس از مساعد شدن اوضاع شیعیان در افغانستان و نیازمندی‌های بیشتری به مراجع تقلید داشتند، از این میان حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی، با سعی تبلیغ و اهتمام علمی توانست به مرجعیت تام شیعیان افغانستان نائل شد. بنابراین آیت‌الله محقق را از پیشگامان نهاد مرجعیت در افغانستان می‌توان یاد کرد که در این صحنه خوب درخشید و پاسخ‌های بی‌جواب مردم شیعه افغانستان را با تدوین رساله احکام دینی خویش جواب داد. هرچند پیش از ایشان حضرت آیت‌الله العظمی محمداسحاق فیاض در حوزه علمی نجف اشرف، مقام اجتهاد و مرجعیت را احراز کرد بود و پس از رحلت حضرت آیت‌الله العظمی محقق کابلی

به ویژه در افغانستان بوده است، اما طلایه‌داری او در احراز مقام عظمای مرجعیت و منصب بلند پایه‌ای فتوا جلوه‌ای بیشتری دارد (محقق خراسانی، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۱). در زمستان ۱۳۷۲ با همکاری رهبری شهید استاد عبدالعلی مزاری، رساله عملیه‌ای خویش را بنا به درخواست‌های بسیاری از مؤمنین و فضلا، تدوین نمود و در طی ۶۶۴ صفحه و دارای ۳۱۰۳ مسئله به نشر سپرد. حمایت‌های بی‌دریغ حزب وحدت اسلامی افغانستان از ایشان که در آن دوره، تنها حزب مقتدر شیعه در عرصه‌های گوناگونی سیاسی و اجتماعی عرض‌اندام کرده بود و با تلاش‌های شبانه‌روزی در میان شیعیان صورت پذیرفته‌اند. تا مرجعیت آیت‌الله العظمی محقق مطرح گردد و سیلی از مشتاقان به سوی معظم له روی بیاورند.

یکی دیگر از مراجع تقلید که به صورت رسمی کار مرجعیت خویش را آغاز کرد حضرت آیت‌الله العظمی شیخ محمداسحاق فیاض بود که معظم له به جمع شاگردان آیت‌الله خوینی پیوست، در میان شاگردان استادش به زودی درخشید و مورد عنایت آن استاد قرار گرفت. استادش روش او را برگزیده نوشته‌هایش را به عنوان تقریرات درس خارج اصول به نام محاضرات اجازه‌ای نشر داد. آیت‌الله فیاض چندین بار از طرف آیت‌الله خوینی به نمایندگی تام‌الاختیارش در مراسم حج فرستاده، مسائل و استفتائات مقلدان خویش را به وی واگذار می‌کرد و در حوزه علمی نجف نیز، او مسئول پاسخ به استفتائات مقلدان آن مرجع بود و از سراسر جهان مقلدان آقای خوینی^(۹) می‌آمدند.

آیت‌الله فیاض پاسخ به مسائل و اشکالات آن‌ها را می‌گفت و با شخصیت علمی و مبانی استادش آشنایی کامل داشت، فتاوی‌ای استادش را با قلم روان تدوین می‌نمود و استادش با ملاحظه صحت آن‌ها تأیید می‌نمود و امضا می‌کرد (ناصری، ۱۳۸۰: ۱۳۳-۱۳۲).

آثار علمی فراوان از آیت‌الله فیاض در دست چاپ و برخی به نشر رسیده است. آثار وی در هر بخش ارزشمند و جایگاه بلندی را در نزد دانشمندان حوزه و اهل پژوهش دارا بوده و از توانمندی فوق‌العاده او در عرصه استنباط

رحمت الله برای مراجع پس از ایشان، مرجعیت در جامعه شیعی افغانستان از مسیر دشواری عبور کرده و استمرار این نظام برای نسل های بعدی همواره ترشده است. □

منابع

۱. ادن نبی ماکنوس، (۱۳۸۰)، افغانستان - مارکس و مجاهد، ترجمه: قاسم ملکی، وزارت امور خارجه ایران.
۲. باقی، عمیدالدین، (۱۳۶۴)، کاوشی درباره روحانیت، قم: .
۳. بختیاری، محمد عزیز، (۱۳۸۵)، شیعیان افغانستان، با راهنمایی: محمود تقی زاده داوری، قم: انتشارات شیعه شناسی.
۴. حکیمی، محمد رضا، (۱۳۷۸)، هویت صنفی روحانیت، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ریاضی هدی، محمد حسن، (۱۳۷۵)، گنجینه مرثیه سرایان افغانستان، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۶. علی آبادی، علیرضا، (۱۳۷۲)، افغانستان، تهران:

انتشارات وزارت امور خارجه.

۷. فرهنگ، سید محمد حسین، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۸. محقق خراسانی، محمد عیسی، (۱۳۹۰ق)، المؤلفون الافغانیون المعاصرون، نجف: نعمان.
۹. ناصری عبدالمجید، (۱۳۸۰)، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۲، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. واصل، محمد نبی، (۱۳۷۵)، مرثیه سرایان افغانستان، به کوشش: ع، عرفانی، تهران انتشارات موسسه تحقیقاتی، انتشاراتی، آموزشی فرهنگ انقلاب اسلامی افغانستان.
۱۱. واعظی، حمزه، (۱۳۷۷)، مجله سراج، سال ششم، شماره ۱۶-۱۷.
۱۲. واعظی، حمزه، (۱۱ اسفند ۱۳۷۰)، روزنامه کیهان، شماره ۱۴۴۲۱.
۱۳. یزدانی (حاج کاظم) حسین علی یزدانی، (۱۳۷۱)، دفاع هزاره ها از استقلال و... مشهد: بی نا.

